



ضمیمه ۶۳۸ ، دوره هشتم
سال نوزدهم ، ۲۵ تیر ماه ۱۳۸۱

اوضاع حساس کنونی و لزوم مقابله مشترک با حملات ارتجاع

است، تنها وحشت، عجز و درماندگی کسانی را نشان می‌دهد که نه تنها حاضر به پذیرش اراده مردم نیستند، بلکه مصمم هستند آشکارتر از همیشه به سرکوب خواسته‌های مردم مبادرت ورزند. اگرچه تحولات چند هفته اخیر عمدتاً بر مسأله اظهار نظرهای آغاچری و بیانیه آیت الله طاهری دور می‌زند، اما مسائلی مهم دیگری نیز در برخورد‌های سیاسی روز مطرح بود که تأمل بر روی آنها ضروری است. از جمله این برخوردها نوشته عباس عبدی در روزنامه نوروز، خطاب به محمد خاتمی است که عکس العمل‌های شدید را از طرف سرکوب‌گران به دنبال داشت. مهم‌ترین قسمت سخن عبدی به خاتمی آنجاست که می‌گوید: «جایگاه شما در مختصات سیاست ایران کجاست؟ آنان که از این ستون به آن ستون را فرج می‌دانند و سیاست دیم را پیشه کرده‌اند، هیچ‌امیدی به باروری کاشته‌هایشان در این زمین عقیم سیاست ندارند، اما شما چرا؟ تا کی باید استخوان لای زخم گذاشت و این وضعیت را ادامه داد؟... پیشنهاد مشخص این است که اگر شما روند امور کشور را صحیح و مطابق برنامه اعلام شده خود می‌دانید، صریحاً آن را اعلام کنید و اگر چنین نمی‌دانید موانع آن را برشمردید و اگر این موانع به ساختار موجود برمی‌گردد، راهی جز مراجعه به مبنای مشترک میان شما و مخالفان اصلاحات نخواهد ماند.» نوشته عباس عبدی خطاب به محمد خاتمی که با توضیحات بیشتر وی در نوروز، یکشنبه ۲۳ تیر، تکمیل گردید است در واقع توضیح واضح اصلاح ناپذیری رژیم ولایت فقیه است. فحش نامه‌های رایج در بلندگوهای تبلیغاتی ارتجاع، با اینکه متوجه شخص (عبدی) بود، اما دلشغولی‌های بسیار حساسی را به وجود آورده که امیر محبیان در رسالت، ۲۲ تیر ماه، آن را به روشنی بیان کرده است. محبیان می‌نویسد: «جناب منتقد دولت، نمی‌تواند و نمی‌باید به هیچ عنوان نگاه از رفتار و کردار و پندار حاکم بر هسته مرکزی رادیکال‌ها برگزید و وظیفه دارد افکار عمومی را نسبت به واقعیت‌ها هوشیار و آگاه نگاه دارد... شکی نیست که برای برون رفت جامعه ایرانی از وضعیت ناکارآمد فعلی هیچ‌چاره‌ای جز آرام‌سازی محیط و فضای سیاسی نداریم و مهم‌ترین عناصر آرامش‌ساز در عرصه سیاست رادیکال‌ها هستند. برای میان‌داری عقلا و شکل‌گیری جریانی سانسورگرا و خردگرا چاره‌ای جز به حاشیه راندن رادیکال‌ها نداریم... فعلاً رادیکالیسم بزرگ‌ترین خطر برای ملت و نظام سیاسی ایران است و مجاهدین انقلاب در چند سال اخیر متأسفانه محوریت رادیکالیسم را

هنگامی که ذوب شدگان در ولایت، به بهانه سخنان آغاچری، یورش وسیع و همه‌جانبه‌یی را بر ضد جنبش مردمی آغاز کردند تصور نمی‌کردند که یورش آنان بر ضد آغاچری و در واقع برای سرکوب سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و برخی دیگر از نیروهای جبهه دوم خرداد با عکس العمل وسیع و قاطعی در جامعه روبه‌رو شود. نامه افشاگرانه آیت الله طاهری در کنار بالا گرفتن اعتراض‌های وسیع مردمی بر ضد اقدامات سرکوبگرانه رژیم استبدادی هراس مرتجعان حاکم را به شدت برانگیخته است. بیانیه شتاب زده «شورای امنیت ملی» که هنوز هم بعد از چندین روز معلوم نیست از جانب کدام شخص یا نهاد صادر شده

اعتراض کارگران بر ضد سیاست‌های ضد کارگری رژیم طبقه کارگر ایران با هوشیاری به مبارزات خود ادامه می‌دهد و اجازه نخواهد داد تا مرتجعان حاکم از مبارزات برحق کارگری به نفع منافع ضد مردمی خود بهره‌جویند

دزیاد، شرکت ارج و تعداد زیادی از شرکت‌های دیگر دیده می‌شد. در این پلاکاردها شعارهایی همچون «اعتصاب حق مسلم ماست، استخدام دائمی امنیت شغلی، تعرض به قانون کار، اهانت به کارگران است، قانون کار ایران، قانون حیات من است، خصوصی‌سازی شرکت‌ها به نفع سرمایه‌دار است، قرارداد موقت استثمار کارگران است»، به چشم می‌خورد. خانه کارگر و سردمداران آن تلاش کردند تا این تظاهرات را به حرکتی در دفاع از ولی فقیه رژیم تبدیل کنند که با شکست مفتضحانه روبه‌رو شد. کارگران به هنگام سخنرانی یکی از مسئولان خانه کارگر با سردادن شعار «زالو صفت حیا کن کارگر را رها کن»، انزجار خود را از وابستگان مزدور به رژیم اعلام کردند. با تلاش کارگران برای ورود به دفتر سازمان تأمین اجتماعی نیروهای امنیتی به کارگران یورش بردند که به مجروح شدن شماری از کارگران و همچنین دستگیری تعدادی منجر شد. گردهمایی اعتراضی کارگران در شرایطی انجام گرفت که در هفته‌های اخیر فضای سیاسی کشور با یورش تازه مرتجعان حاکم به جنبش مردمی متشنج و پراکنده بود. نکته جالب این است که کسانی که ماهیت ضدکارگری‌شان بر همگان روشن

- ◆ اعتصاب حق مسلم ماست
- ◆ استخدام دائمی امنیت شغلی
- ◆ خصوصی‌سازی شرکت‌ها به نفع سرمایه‌دار است
- ◆ قرارداد موقت استثمار کارگران است

بر اساس گزارش خبرگزاری «ایستا» صبح روز سه‌شنبه، ۲۵ تیرماه، جمع زیادی از کارگران در مقابل دفتر سازمان تأمین اجتماعی واقع در خیابان آزادی حضور یافتند و اعتراض شدید خود را نسبت به سیاست‌های ضد کارگری رژیم اعلام کردند. کارگران با حمل پلاکاردهایی همچون «قانون کار، ثمره خون شهیدان است، تعرض به قانون کار اهانت به کارگران است، اصلاح قانون کار، یک نوع استثمار مدرن است» مخالفت خود را با تغییر قانون کار اعلام کردند.

بر اساس همین گزارش در این گردهمایی اعتراضی همچنین پلاکاردهای کارخانه ریسندگی آذر اصفهان، اتحادیه کارگران صنعت آب و برق ایران، شرکت پشم سنگ ایران، خانه کارگران استانهای همدان، تبریز، قزوین و یزد، شرکت اسکلت‌های فولادی و مخازن ایران، کارگران نساجی قرقره زیبا، شرکت صنایع راهسازی و معدن ایران، پلاسکو ایران خودرو، شرکت

ادامه در صفحه ۲

ادامه در صفحه ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

دانه اعتراض کارگران

است، با دست گذاشتن بر روی واقعیت های دردناک وضعیت زندگی کارگران تلاش می کنند تا از نارضایتی کارگران بر ضد سیاست های اقتصادی دولت که در واقع ادامه همان سیاست های گذشته و مورد تأیید همین حضرات است به نفع منافع گروهی خود بهره جویند. حمایت چماق داران مطبوعاتی تاریک اندیشان حاکم، همچون روزنامه های کیهان و جمهوری اسلامی را نیز باید در این راستا تعبیر کرد. دومین نکته ای که موزیانه و به طور برنامه ریزی شده از طرف مهره های سرسپرده رژیم بیان می شود، آماج حمله قرار دادن دولت، مجلس و همچنین جبهه مشارکت است. ذوب شدگان در ولایت که خود بانی و پشتیبان سیاست های ضدکارگری سال های اخیر بوده اند، با استفاده از وضعیت وخیم زحمتکشان میهنمان، و در وضعیتی که اصلاح طلبان حکومتی نسبت به آنها بی تفاوت بوده اند، قصد سوء استفاده سیاسی از کارگران را دارند. اقدام ذوب شدگان در ولایت، روش ناشناخته ای نیست و این چنین اقدامات مذبحخانه در جریان مبارزات آزادی بخش دیگر خلق ها مورد استفاده قرار گرفته و در آینده نیز چنین خواهد بود. در شرایطی که میهن ما با وضعیت بسیار حساس و خطرناکی روبرو می باشد، هوشیاری جنبش کارگری در این مقطع بایستی بیش از پیش مورد توجه فعالان سیاسی طرفدار حقوق طبقه کارگر قرار بگیرد. جنبش کارگری بایستی در مقطع بسیار حساس کنونی منافع بلند مدت خویش را در اولویت قرار دهد. مبارزات صنفی کارگران ارتباط گسست ناپذیر و تنگاتنگی با مبارزه جنبش مردمی بر ضد رژیم استبدادی حاکم دارد. تجربه سال های اخیر بارها به اثبات رسانده است که مبارزات پراکنده و صرفاً صنفی کارگران دارای برد محدودی است که در دراز مدت نمی تواند پاسخ گوی انبوه مشکلات کارگران میهن ما باشد. بر اساس همین درک است که اکنون شعار ایجاد ساختارهای مستقل کارگری که بتوانند خارج از نفوذ جناح های حکومتی مبارزه صنفی و سیاسی کارگران میهن ما را سازمان دهی کنند به یکی از مهم ترین خواست های کارگران پیشرو و جنبش کارگری میهن ما بدل شده است.

زحمتکشان میهن ما به تجربه تاریخی دریافته اند که تنها با پیوند زدن مبارزات صنفی کارگران با جنبش عمومی خلق برای ایجاد اصلاحات بنیادین است که می توان خواست های برحق آنان را تأمین کرد. مسأله اساسی این است که نیروهای مدعی اصلاحات و کسانی که از عدالت و تحقق خواست های محرومان سخن می گویند در پنج سال اخیر گام موثری در راه تحقق این خواست ها بر نداشته اند و از این رو کارگران حق دارند با بی باوری و بدبینی به روند کنونی بنگرند.

تلاش در راه ایجاد تشکل های مستقل صنفی در کنار حرکت به سمت سازماندهی و پیوند زدن مبارزه کارگران با دیگر نیروهای اجتماعی مدافع منافع جنبش مردمی یگانه راه مطمئن تحقق خواست های جنبش مردمی و خواست های صنفی و سیاسی طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ماست.

کدام اوضاع حساس کنونی و لزوم

در جناح مقابل در دست داشته است.، از مهم ترین قسمت های نوشته رسالت نشینان است که با "نقد" مجاهدین نگاشته شده است. همانطور که از نوشته مذکور مشخص است، ارتجاع برای تسکین آلامش احتیاج به "آرامش" دارد و مجبور به "پایین کشیدن فتیله ها" است، اما این "آرامش" مستلزم به "حاشیه راندن رادیکالیسم" به عنوان "بزرگ ترین خطر" است. "سرکوب" و "مقابله"، کلماتی مترادف نیستند، کلماتی متضاد هستند که در فرهنگ سیاسی معانی مشخصی دارند. روندهای کنونی در میهن ما، رجوع به این دو واژه را بیش از هر زمان دیگر می طلبد و به تبع آن واژه هایی چون "ماشاش"، "چانه زنی"، "رایزنی" و "گفتار درمانی"، خاصیت خویش را بالا جبار از دست داده است. به نظر می رسد، در موقعیت کنونی راهی جز تشدید مبارزه و ایستادگی در مقابل تهاجمات ارتجاع، برای نیروهایی که خود را همچنان پای بند به آرمان های جنبش مردمی می دانند وجود ندارد.

سخنرانی دکتر پیمان به مناسبت سرکوب
کوی دانشگاه

به مناسبت سومین سالگرد حادثه کوی دانشگاه، سخنرانی بی از طرف شورای مرکزی انجمن سلامی دانشجویان دانشگاه شیراز و علوم پزشکی برگزار شد که دکتر پیمان در آن به ایراد سخنانی پرداخت. به گزارش ایسنا، ۱۹ تیر، دکتر پیمان در جریان این سخنرانی در خصوص مشکلات جنبش اصلاحی گفت: "در حال حاضر، این جنبش در درون ساختار قدرت، محدود شده و رهبری آن محدود به کسانی شده که در درون حاکمیت هستند. به دلایل مختلف، درون حاکمیت بودن، پاهارا سنگین و بسته در خاک نگه می دارد و افراد نمی توانند ظرفیت مردم را درک کنند و ظرفیت خود را ملاک عمل قرار می دهند. استراتژی هایی نیز در درون حاکمیت، تدوین شد ولی موثر واقع نشد، چرا که طرف مقابل برای پیشبرد اصلاحات، آن را قبول نکرد. مخالفان اصلاحات در جامعه امروز ایران، کسانی هستند که نقشی در تولید ندارند و یا کمک ایدئولوژی کاذب افرادی از گروه مولد را نیز به خود جذب کرده اند که این افراد نیز روز به روز آگاه تر شده و از شمار افراد زیر نفوذ مخالفان اصلاحات خارج می شوند. متأسفانه مرکز ثقل اصلاحات، درون حاکمیت مانده است که باید به بیرون از آن و به دوش یک جنبش اجتماعی بیافتد. وظیفه جنبش دانشجویی در شرایط امروزی این است که با افزایش آگاهی های تاریخی خود از تکرار آنچه در گذشته اتفاق افتاده جلوگیری کند و امروز اگر چه تعدادی از افراد این جنبش را رها کرده اند، اما در کسانی که مانده اند میل به دانش و آگاهی به وفور یافت می شود. وی در خصوص استقلال جنبش دانشجویی گفت: "منظور از استقلال دانشجویی، استقلال از قدرت و آگاهی های حاکمیت است، نه استقلال از همه جنبش های جامعه. جنبش دانشجویی باید ارتباط بگیرد و با همه اقشار جامعه ارتباط داشته باشد."

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Supplement to Nameh Mardom-NO 638
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

16th July 2002

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۲

حساب بانکی ما:

IRAN e.V.

شماره حساب 790020580

کد بانک 10050000

بانک Berliner Sparkasse